



دانشگاه لرستان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان

**بررسی افکار فمینیستی در داستان کوتاه دهه‌ی ۷۰ و ۸۰
(بر اساس آثار منیر و روانی‌پور، فرخنده آقایی، فریده خرمی، شیوا ارسطویی و شیوا
مقائلو)**

نگارش

مریم طالبی

استاد راهنما

دکتر محمدرضا روزبه

استاد مشاور

دکتر صفیه مرادخانی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

فروردین ۱۳۸۹

فهرست مطالب

کلیات تحقیق

چکیده

مقدمه

۱	۱. فمینیسم
۲	۱-۱ تعریف فمینیسم
۳	۲-۱ تاریخچه فمینیسم
۵	۳-۱ علت ظهور فمینیسم
۷	۴-۱ موج های فمینیسم
۸	۱-۴-۱ موج اول
۸	۲-۴-۱ موج دوم
۹	۳-۴-۱ موج سوم
۱۰	۵-۱ گرایش های فمینیستی
۱۰	۱-۵-۱ گرایش لیبرالی
۱۲	۲-۵-۱ گرایش رادیکالی
۱۴	۳-۵-۱ گرایش مارکسیستی
۱۶	۴-۵-۱ گرایش سوسیالیستی
۱۷	۵-۵-۱ گرایش پست مدرن (جدید)
۱۸	۶-۵-۱ سایر گرایش های فمینیستی
۲۰	۶-۱ اهداف فمینیسم
۲۱	۷-۱ دستاوردها ، عواقب و پیامدهای فمینیسم
۲۲	۸-۱ اخلاق فمینیستی
۲۳	۹-۱ اسلام و فمینیسم
۲۶	۱۰-۱ فمینیسم در ایران
۲۷	۱۱-۱ فمینیسم در ادبیات
۲۹	۱-۱۱-۱ فمینیسم در داستان
۳۲	۱۲-۱ نقد فمینیستی
۳۵	۲. ادبیات و زنانه نویسی
۳۸	۱-۲ داستان کوتاه
۴۳	۲-۲ ادبیات و زنانه نویسی
۴۵	۱-۲-۲ روند داستان نویسی و زنانه نویسی در ایران
۴۸	۳-۲ زنان نویسنده ی دهه ی ۷۰ و ۸۰

۴۸	۱-۳-۲ منیرو روانی پور
۵۰	۲-۳-۲ فرخنده آقایی
۵۱	۳-۳-۲ فریده خرمی
۵۳	۴-۳-۲ شیوا ارسطویی
۵۴	۵-۳-۲ شیوا مقالو
۵۶	۳. نقد فمینیستی آثار روانی پور ، آقایی ، خرمی ، ارسطویی و مقالو
۵۷	۱-۳ روانی پور
۵۷	۱-۱-۳ معرفی آثار
۵۸	۲-۱-۳ خلاصه ی داستان ها
۶۹	۳-۱-۳ نقد داستان های روانی پور از دو دیدگاه « جلوه های زن » و « نقد زنان »
۸۴	۲-۳ آقایی
۸۴	۱-۲-۳ معرفی آثار
۸۶	۲-۲-۳ خلاصه ی داستان ها
۹۵	۳-۲-۳ نقد داستان های آقایی از دو دیدگاه « جلوه های زن » و « نقد زنان »
۱۱۲	۳-۳ خرمی
۱۱۲	۱-۳-۳ معرفی اثر
۱۱۳	۲-۳-۳ خلاصه ی داستان
۱۱۶	۳-۲-۳ نقد داستان های خرمی از دو دیدگاه « جلوه های زن » و « نقد زنان »
۱۲۸	۴-۳ ارسطویی
۱۲۸	۱-۴-۳ معرفی آثار
۱۳۰	۲-۴-۳ خلاصه ی داستان ها
۱۳۹	۳-۴-۳ نقد داستان های ارسطویی از دو دیدگاه « جلوه های زن » و « نقد زنان »
۱۶۱	۵-۳ مقالو
۱۶۱	۱-۵-۳ معرفی آثار
۱۶۳	۲-۵-۳ خلاصه ی داستان ها
۱۶۹	۳-۵-۳ نقد داستان های مقالو از دو دیدگاه « جلوه های زن » و « نقد زنان »
۱۸۶	نتیجه گیری
۱۸۹	منابع
۱۹۷	چکیده لاتین

اطلاعات مربوط به پایان نامه یا رساله :

۱ - عنوان :

به فارسی :

بررسی افکار فمینیستی در داستان کوتاه دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ (بر اساس آثار منیر و روانی پور ، فرخنده آقایی ، فریده خرمی ، شیوا ارسطویی و شیوا مقانلو)
لاتین :

A feministic approche toshort story of the 1370 and 1380 s decde in the works of Monir Ravanipor , Farkhonde Aghaee , Faride Khorami , Shiva Arastorr and Shiva Moghanlo .

۲- نوع کار تحقیقاتی :

نظری ■ تجربی □ بنیادی □ کاربردی □

۳- بیان مسأله : (تعریف دقیق مسأله ، بیان حدود مسأله ، تشریح جنبه های مختلف و ابعاد موضوع و ابهامات مورد نظر تحقیق)

فمینیسم اندیشه‌ای نوین است . زمان و مکان ، عنصر لازم و ضروری برای شناختن هرچه بیشتر ماهیت این اندیشه است فمینیسم (Feminism) در اصل واژه‌ای فرانسوی (Feminisme) است که از ریشه‌ی لاتین « femina » به معنای زن (woman) اخذ شده است . در زبان فارسی «طرفداری از حقوق زن»، «جنبش آزادی زنان»، «زن باوری»، « زن آزاد خواهی» و ... معادل‌هایی هستند که برای واژه فمینیسم ارائه شده‌اند.

فمینیسم آموزه یا جنبشی است که در تلاش برای اثبات یا به دست آوردن حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برابر یا برتر با مردان است. فمینیسم نظریه و جنبشی است که بر طبق آن زن و مرد باید از لحاظ سیاسی و اقتصادی و ... برابر باشند .

مشهورترین دیدگاه در مورد تاریخچه فمینیسم به اواخر قرن ۱۸ پس از انقلاب فرانسه

بر می‌گردد.

این جنبش و مکتب نوین در عرصه‌ی ادبیات و فرهنگ ایران مرا بر آن داشت که به بررسی در ارتباط با این مکتب و میزان تاثیرگذاری آن بر ادبیات دوران جدید کشورمان از جمله ادبیات داستانی بپردازم. برای محدود شدن گستره‌ی کار، داستان کوتاه دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ انتخاب شد و از جمله آثار به آثار چند تن از زنان نویسنده از جمله «منیرو روانی پور»، «فرخنده آقایی»، «فریده خرمی»، «شیوا ارسطویی» و «شیوا مقالو» پرداخته خواهد شد.

۴- تعریف مفاهیم تحقیق :

فمینیسم :

آموزه یا جنبشی است که در تلاش برای اثبات یا به دست آوردن حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برابر یا برتر با مردان است. فمینیسم یک نظریه و یک جنبش است که بر طبق آن زن و مرد باید از لحاظ سیاسی و اقتصادی و ... برابر باشند.

داستان کوتاه :

داستان کوتاه روایتی است که بتوان آن را در یک نشست (بین نیم ساعت تا دو ساعت) خواند. همه‌ی جزئیات آن باید پیرامون یک موضوع باشد و یک اثر واحد را القاء کند. در داستان کوتاه تعداد شخصیت‌ها محدود است. فضای کافی برای تجزیه و تحلیل‌های مفصل و پرداختن به امور جزئی در تکامل شخصیت‌ها وجود ندارد و معمولاً نمی‌توان در آن تحول و تکامل دقیق اوضاع و احوال اجتماعی بررسی کرد. حادثه‌ی اصلی به نحوی انتخاب می‌شود که هر چه بیشتر شخصیت قهرمان را تبیین کند و حوادث فرعی باید همه در جهت کمک به این وضع باشند. داستان کوتاه ممکن است خیلی کوتاه باشد و مثلاً حدود ۵۰۰ کلمه بیشتر نداشته باشد.

۵- سوالات تحقیق : (شامل سوال اصلی و سوالات فرعی)

سوال اصلی: در داستان کوتاه دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ افکار فمینیستی چه جایگاهی دارد ؟

سوال فرعی ۱- بینش فمینیستی در آثار «منیرو روانی پور»، «فرخنده آقایی»، «فریده خرمی»، «شیوا ارسطویی» و «شیوا مقالو» چه کیفیات و ویژگی‌هایی دارد ؟

سوال ۲- افکار فمینیستی داستان‌های دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ دارای چه مؤلفه‌هایی (شناسه‌هایی) است ؟

۶- فرضیات تحقیق : (فرضیه اصلی و فرضیات جنبی یا جانشینی)

فرضیه اصلی :

ا توجه به گسترش افکار فمینیستی در دهه‌های اخیر در جهان و تاثیر آن در جنبه‌های مختلف زندگی ، نویسندگان ایرانی از این امر مستثنی نبوده‌اند و به طور قطع تاثیر و جایگاه افکار فمینیستی را می‌توانیم در داستان نویسندگان دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ مشاهده کنیم .

فرضیه فرعی ۱ :

این چند نویسنده دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ نیز از روند جریان‌ات اجتماعی و فرهنگی بی‌نصیب نبوده‌اند و با توجه به جنسیت آنها و اینکه خواهان حقوقی مساوی مردان هستند در آثار خود به گونه‌ای خواسته‌ی خود را مطرح کرده‌اند .

فرضیه فرعی ۲ :

با توجه به اینکه همواره سیاست و مذهب در خصوص تساوی حقوق زن و مرد از سوی مدافعان حقوق زنان مورد سوال و اتهام قرار گرفته‌اند لذا داستان‌های دهه ۷۰ و ۸۰ نیز می‌تواند در این- باره مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند .

۷- پیشینه موضوع و سوابق مربوط : (بیان مختصر تحقیق، نتایج به دست آمده و نظرات علمی رایج موجود درباره موضوع رساله تحقیق)

در رابطه با خود مکتب فمینیسم کارهایی انجام گرفته است که از جمله آنها در منابع تحقیق ذکر شده است. طبق بررسی‌های به عمل آمده از جمله کتاب‌ها و مقالاتی که در رابطه با فمینیسم در داستان کوتاه نوشته شده است می‌توان به نقد فمینیستی بر داستان کوتاه « رویای یک ساعته » نوشته‌ی حسین پاینده اشاره کرد . کتاب رویای یک ساعته داستان‌های کوتاهی است که به همت فریبا شهلائی، فرانک فرید و روح‌انگیز پورنصاح ترجمه شده است . و همچنین مقاله‌ای با عنوان « نقد فمینیستی آثار ویرجینیا وولف » از هلن اولیایی نیا اشاره کرد .

۸ - ضرورت ها و اهداف تحقیق :

ضرورت : جریان‌ات اجتماعی و فرهنگی همواره جهت بخش ادبیات و داستان بوده اند . نقد فمینیستی داستان کوتاه همانند آینه‌ای منعکس کننده جریان‌ات اجتماعی و فرهنگی است که همواره تحلیل آنها در تمام زمان‌ها از ضروریات جامعه است .

هدف : هدف از انتخاب این موضوع پی بردن به این است که موانع برابری یا برتری جنس دوم در جامعه ایرانی از دید زنان نویسنده‌ی دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ چیست و آیا قابل برطرف شدن هستند یا نه ؟

۹- روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات :

روشی که در این پژوهش اتخاذ شده است تحلیلی - توصیفی است.

۱۰- روش و ابزار گردآوری اطلاعات :

ابزار : فیش برداری

روش : کتابخانه‌ای

چکیده:

فمینیسم واژه ای فرانسوی به معنی « طرفداری از حقوق زن » و « جنبش آزادی زنان » است که اگرچه با معنای کنونی واژه ای نوین است ، قدمتی به اندازه ی تاریخ دارد. نظرات فمینیست ها به صورت های مختلف به ادبیات راه یافت و موجب ظهور ادبیات فمینیستی شد که راهی برای ارائه ی نظر ها و دیدگاه های مختلف زنان بود. در ایران این نهضت با رویکرد اسلامی، از دوره ی مشروطیت آغاز شد و هم زمان با آن نویسندگان مرد و زن زیادی درباره ی آن مطلب نوشتند . با توجه به اینکه در ادبیات مردانه ی ایران اکثراً به زن از دریچه ی نگاه مردان نگریسته می شد؛ ولی در دو دهه ی اخیر زنان توانستند مهره های بازی را به نفع خود بچینند و رنگ و لعاب تفکر مردانه را عوض کنند . نقد فمینیستی نیز بر آن است تا نقش زنان را در دو محور خالق اثر (زن در مقام نویسنده) و شخصیت خلق شده (چهره ی ارائه شده از زن در آثار نویسندگان) بررسی کند . محور و گرایش اول با عنوان « نقد زنان » و گرایش دوم با نام « جلوه های زن » مطرح شده است . در این پایان نامه به نقد فمینیستی و بررسی چهره ی زن در آثار پنج نویسنده ی زن دهه ی ۷۰ و ۸۰ ؛ یعنی « منیرو روانی پور » ، « فرخنده آقایی » ، « فریده خرمی » ، « شیوا ارسطویی » و « شیوا مقاللو » پرداخته شده است . در همین راستا ابتدا در دو فصل نخست فمینیسم و زنانه نویسی مطرح شده اند ؛ آنگاه در فصل سه بعد از ذکر خلاصه ای از داستان ها، داستان ها از دو دیدگاه مذکور نقد شدند. ضمن نقد این مجموعه ها در می یابیم که آثار مذکور گواه دغدغه ی زنانه ی نویسنده ی آنهاست. مضمون داستان ها مسائل عاطفی - اجتماعی زنان در برابر مردان و جامعه است . محور اغلب موضوعات بدون هیچ تردیدی زن ، مسائل زنان و محدودیت- هایشان می باشد . گاه اندیشه ی زن محور نویسنده سبب خلق و ظهور ایده هایی مرد ستیز گشته است .

کلید واژه:

فمینیسم ، نقد فمینیستی ، جلوه های زن ، نقد زنان ، داستان کوتاه

مقدمه :

در تمام طول تاریخ، زنان عنصری جدایی ناپذیر از اجتماع بشری بوده‌اند و در جایگاه‌هایی چون مادری، همسری، خواهری و دختری به ایفای نقش پرداخته‌اند. مسأله‌ای که در اغلب مقاطع دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است؛ نحوه‌ی نگاه به جایگاه زنان است. فراز و نشیب این نگاه به گونه‌ای است که می‌توان ادعا کرد کمتر موضوعی این چنین در طول قرن‌ها صعود و نزول ارزشی داشته است.

تحولات اجتماعی سریع، انقلاب‌های فراگیر اروپا و ظلم و ستم‌های روا شده به زنان، سبب شد که از جانب زنان برضد مردان، با هدف کسب استقلال و احیای حقوق طبیعی زنان جنبشی با نام فمینیسم صورت گیرد. اندیشه‌های فمینیست‌ها به صورت‌های مختلف در فرهنگ، جامعه، سیاست و همچنین ادبیات راه یافت و موجب ظهور ادبیات فمینیستی شد. در اکثر آثار ادبی نوشته شده به دست مردان، زن تا جایی مورد توجه است؛ که به قهرمان مرد یاری برساند و یا او را از هدف منحرف کند. این جنبش در غرب نحوه‌ی نگاه به زن را به تدریج عوض کرد و نقش فعال‌تری را در بسیاری از حوزه‌ها به ویژه حوزه‌ی ادبیات و ادبیات داستانی، برای زنان قائل شد. طوری که در دو دهه‌ی اخیر، زنان داستان‌نویس بیشتری در عرصه‌ی ادبیات ظهور پیدا کردند.

آثار نوشته شده در زمینه‌ی ادبیات داستانی، بی‌شک قابلیت بررسی را از دیدگاه «قرائت زنانه»^۱ دارد.

در این پژوهش از میان داستان‌نویسان زن معاصر، منیرو روانی پور، فرخنده آقایی، فریده خرمی، شیوا ارسطویی و شیوا مقالو؛ و از میان آثار آنان، مجموعه داستان‌های دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ برگزیده و نقدی فمینیستی با دو گرایش «جلوه‌های زن» و «نقد زنان» از این مجموعه‌ها ارائه شده است.

فصل اول

فمینیم

۱-۱ تعریف فمینیسم

فمینیسم تئوری و ایده‌ای است که بر اساس آن، زنان و مردان می‌بایست در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از حقوق مساوی و برابر برخوردار باشند. (پارسی نژاد، ۱۳۸۲: ۲۸). همچنین اندیشه‌ای نوین‌پاد است و زمان، عنصر لازم و ضروری برای شناختن هرچه بیشتر ماهیت این اندیشه است.

فمینیسم (Feminism) در اصل واژه‌ای فرانسوی (Feminisme) است که از ریشه لاتین (Femina) به معنای زن (Woman) اخذ شده است. (رضوانی، ۱۳۸۴: ۲)

در زبان فارسی «طرفداری از حقوق زن»، «جنبش آزادی زنان»، «زن باوری»، «زن آزادخواهی» و ... معادل‌هایی هستند که برای واژه فمینیسم ارائه شده‌اند. بسیاری معتقدند که فمینیسم یک مفهوم واحد نیست اما با بررسی تعریف‌هایی که از فمینیسم داده شده است؛ می‌توان دریافت که ویژگی مشترکی بین انواع متعدّد فمینیسم وجود دارد. در ذیل به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود.

«فمینیسم، نهضتی است که هدفش تامین تساوی سیاسی و اجتماعی زنان بر مردان است.» (مصاحب، ۱۳۸۰) آبوت پاملا^۱ و والاس کلر^۲ در کتاب «جامعه‌شناسی زنان»^۳، فمینیسم را این گونه تعریف کرده‌اند: «فمینیسم مکتبی است که فرو دست بودن زنان را قابل چون و چرا و مخالفت می‌داند و این مخالفت مستلزم بررسی انتقادی موقعیت کنونی و گذشته زنان و چالش با ایدئولوژی‌های مردسالارانه حاکم است که فرودستی زنان را طبیعی و همگانی و اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهد.» (پاملا، ۱۳۸۱: ۳۱)

^۱ . Abbott Pamela

2. Wallace Claire

^۳ . Sociology women

همچنین واتکینز سوزان^۱ در «فمینیسم قدم اول» این گونه به معرفی فمینیسم پرداخته است: «فمینیسم به معنی مورد تردید قرار دادن تقسیم کار در جهان است که مرد را مسئول حوزه عمومی یعنی کار، ورزش، جنگ و... قرار داده، در حالی که زنان با جان کندن و بیگاری در خانه تمامی فشار و بار زندگی را به دوش می‌کشند.» (آلیس واتکینز، ۱۳۸۰: ۵)

در تعریف دیگری که کیت گرین و جیل لیبهان^۲ در «درسنامه نظریه و نقد ادبی»^۳ از فمینیسم ارائه کرده‌اند فمینیسم را نوعی سیاست دانسته‌اند: «فمینیسم نوعی سیاست است، سیاستی که در جهت تغییر دادن روابط قدرت موجود بین زن و مرد در جامعه حرکت می‌کند. این روابط قدرت، تمام حیطه زندگی، خانواده، آموزش و پرورش، جهان کار و سیاست، فرهنگ و فراغت را ساختار می‌بخشد و تعیین می‌کند که چه کسی چه کار را برای که انجام دهد، ما چه هستیم و چه می‌توانیم بشویم.» (گرین لیبهان، ۱۳۸۳: ۳۲۹)

فمینیسم را نمی‌توان به طور کامل معنا کرد بلکه صرفاً می‌توان دست به تلاش برای یافتن خصلت‌های مشترک بین انواع متعدد و متفاوت فمینیسم زد. تلاش برای رسیدن به یک تعریف پایه از مبنای مشترک تمامی فمینیسم‌ها همواره می‌تواند با تاکید بر این نکته آغاز شود که اساس همه‌ی آنها موقعیت فرو دست زنان در جامعه و تبعیضی است که زنان به دلیل جنس خود با آن روبه رو می‌شوند. افزون بر آن، می‌توان این طور عنوان کرد که تمامی انواع فمینیسم، به منظور کاهش این تبعیض و در نهایت غلبه بر آن، خواهان تغییراتی در نظم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌اند. (فریدمن، ۱۳۸۱: ۵)

برای این‌که دیدگاهی فمینیستی شمرده شود باید معتقد بود که زنان تحت ستم واقع شده‌اند و به نحو ناعادلانه‌ای با آنها رفتار شده است و در این باره باید کاری انجام شود. (بیسلی، ۱۳۸۵: ۵۵) سرانجام فمینیسم به آئینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است تعریف شده. (میشل، ۱۳۷۷: ۱)

۱-۲ تاریخچه فمینیسم

فمینیسم اگرچه به معنای کنونی آن واژه‌ای نوین است، ولی قدمتی به اندازه‌ی تاریخ دارد.

^۱. Watkins susan

^۲. Keith Green and Jill Lbyhan

^۳. Text book theory and literary criticism

عبدالحسین سعیدیان در « دایره المعارف بزرگ نو » اولین حرکتی را که از جانب زنان برای دریافت حقوق خود شکل گرفت، این گونه بیان می‌دارد: « در بهار سال ۱۷۷۹، ابی گیل آدامز، همسر جان آدامز^۱ رئیس جمهور وقت آمریکا و از سردمداران اعلامیه‌ی استقلال آمریکا، با صدور نامه‌ی معروفی با عنوان « خانم‌ها را به خاطر داشته باشیم » به شوهرش خاطرنشان کرد که ضمن نگارش قوانین جدید و اعلامیه استقلال، خانم‌ها را فراموش نکنید و قدرت نامحدود در دست شوهرانشان قرار ندهید. اگر چنین شود ما خانم‌ها سر به شورش برمی‌داریم و خود را ملزم به رعایت قوانینی نخواهیم دانست که در تدوین آنها حقی نداریم و نمی‌توانیم نماینده‌ای در جمع تدوین‌کنندگان آن داشته باشیم؛ ولی در پی دریافت این نامه جان آدامز در یادداشتی خطاب به جیمز سولیوان از دست اندرکاران قانون نگارش جدید و خواهان حق رای برای تمام مردان، چه مالک و چه غیرمالک خاطرنشان می‌کند که اگر حق رای را به هر کسی بدهیم، چه آنها که مالک هستند و چه آنها که مالی ندارند، آن وقت گروه‌های دیگر مانند زنان و جوانانی که پیشیزی ارزش ندارند، خواهان حق رای خواهند شد و تمام تمایزات در جامعه از بین خواهد رفت و همه در یک رده قرار خواهند گرفت. » (سعیدیان، ۱۳۸۴: ۶۵۰۱)

از قرار معلوم واژه‌ی فمینیست نخستین بار در ۱۸۷۱ و در یک متن پزشکی به زبان فرانسه برای تشریح گونه‌ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مردی به کار رفته که تصور می‌شده است بر این اساس از خصوصیت زنانه یافتن تن خود در رنجند. سپس الکساندر دومای پسر^۲، نویسنده‌ای فرانسوی، جمهوری خواه و ضد فمینیست، این واژه را گرفت و در جزوه‌ای چاپ ۱۸۷۲ با عنوان مرد - زن، درباره‌ی مسأله‌ی زنای محصنه، برای تشریح زنانه‌ی به کار برد که به گونه‌ای ظاهراً مرادنه رفتار می‌کنند. اگرچه در فرهنگ پزشکی معنی فمینیسم خصوصیت زنانه یافتن مردان بود؛ در اصطلاح سیاسی این واژه ابتدا در توضیح خصوصیات مردانه یافتن زنان به کار رفت. با همه‌ی این احوال فمینیست در آغاز صفتی نبود که زنان برای توصیف خود یا اعمالشان به کار برند، می‌توان با اطمینان گفت چیزی که ما امروزه تفکر و فعالیت فمینیستی می‌نامیم مدت‌ها پیش از آنکه خود واژه به کار گرفته شود وجود داشت. (فرید من، ۱۳۸۱: ۶)

^۱. John and Blue gil Adams

^۲.Alexandre Dumas (fils)

فمینیسم به عنوان یک جنبش سیاسی در کشورهای مختلف و در تاریخ‌های مختلف مطرح شد . در آمریکا فمینیسم در سال ۱۸۴۸ با نام « نهضت سیکافالز » مطرح شد . در همین سال بود که اولین منشور دفاع از حقوق زنان در کشور آمریکا اعلام شد . از آن پس ، دانشمندانی همچون آگوست کنت^۱ و جان استوارت میل^۲ نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی مطرح کردند .

در اوایل قرن بیستم ، اولین بار نهضت طرفداری از حقوق زنان در انگلیس به رهبری پاتک هورست^۳ آغاز و در بدو جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۱۹ توانست تأثیرات عمیقی در جامعه انگلیسی از خود برجای گذارد . در فرانسه نیز فمینیسم مردمی که در نیمه اول قرن ۱۹ در این کشور پدید آمد ، اساساً توسط زنان طبقه متوسط و کارگر حمایت می‌شد . (فولادی ، بی تا : ۵۹)

خلاصه‌ی تمام گفته‌ها در کلام اندرو وینست^۴ دیده می‌شود . او معتقد است چهار دیدگاه مهم در باب تاریخ خاستگاه اندیشه‌ی فمینیستی وجود دارد :

- ۱- تاریخ فمینیسم به سپیده دم آگاهی بشر برمی‌گردد .
- ۲- تاریخ فمینیسم به آغاز قرن پانزدهم میلادی برمی‌گردد .
- ۳- تاریخ فمینیسم به قرن هفدهم تعلق دارد .
- ۴- تاریخ فمینیسم به اواخر قرن هیجدهم پس از انقلاب فرانسه برمی‌گردد .

۱-۳ علت ظهور فمینیسم

فمینیسم به عنوان یک جریان فکری برابری زن و مرد بعد از قرون وسطی در جامعه‌ی غربی به وجود آمد و بعد از طی فراز و نشیب‌های فراوان و مراحل مختلف به مرحله‌ی کنونی رسید . به وجود آمدن این مبارزات در مغرب زمین امری است که زمینه‌های آن وجود داشته است . این زمینه‌ها را از دو بعد می‌توان بررسی کرد . از بعد نظری و بعد عملی .

از بعد نظری اصولاً زن ، انسان درجه دوم محسوب می‌شد ؛ ارسطو زن را مرد ناکامی می‌دانست که حاصل ناتوانی طبیعت در خلق مردان است و به هیچ‌روی سزاوار شرکت در امور اجتماعی نیست . (بیات ، ۱۳۸۱ : ۴۲۳) او در کتاب سیاست ، مجموع نظرات خود را درباره‌ی

^۱ .Auguste Comte

^۲ . John Stuart Mill

^۳ .Patk Horst

^۴ . Andrew Vynst

زنان ذکر کرده است. وی نسبت زن و شوهر را مثل نسبت برده به سرور خود، بدن به روح، تنه به سر و اقوام وحشی به یونانیان می‌داند. او زن را مرد ناقصی می‌داند که در مرحله پایین‌تری رشد کرده است، وی علت برتری مردان را به طبیعت نسبت می‌دهد که در آن همواره نر، حاکم و ماده محکوم است. به نظر ارسطو زن از حیث اراده ضعیف است و نمی‌تواند در صفات و حالات مستقر بماند. بنابراین بهترین حالت برای او آن است که زندگی خانوادگی توأم با آرامش داشته باشد و خانه و امور مربوط به آن را بر عهده گیرد و مرد کارهای خارج از خانه را رسیدگی کند. (ملکی زاده، بی تا: ۱۵۴)

نظریه پردازان نامی دیگری نیز این بعد را تقویت کرده، نظرات ضد زن زیادی را بیان می‌کردند. از جمله‌ی آنان می‌توان به شوپنهاور^۱ اشاره کرد. بنا به عقیده شوپنهاور، «زنان هیچ گونه استعداد حقیقی در زمینه‌ی شعر و موسیقی و هنرهای زیبا ندارند و اگر در این زمینه‌ها ادعایی کنند، افسون و ریشخند است؛ زیرا هوشمندترین زنان نتوانسته است یک اثر واقعی و شاهکار در زمینه هنرهای زیبا به وجود آورد.» (ملکی زاده، بی تا: ۱۵۵) «تمام زنان، بجز عده‌ای معدود، اسیر هوا و هوسند.» وی در نظرات خود خانواده را نقض می‌کند و پدر بودن را بالاترین زشتی‌ها می‌داند و زن را تلخ و گناهکار می‌داند و این امر را به تمام زنان تسری می‌دهد. به عقیده او مردی که خرج زن خود را برعهده می‌گیرد دیوانه است. (ملکی زاده، بی تا: ۱۵۶)

علاوه بر این جنبه از بعد نظری می‌توان به جنبه‌های دیگری نیز اشاره کرد. موجود دوم بودن زن از ناحیه عالمان دینی و نهاد دین نیز دامن زده شده است. در کتاب مقدس، حوا، عامل اصلی گناه اولیه‌ی آدم و مسئول خروج وی از بهشت معرفی می‌شود. (بیات، ۱۳۸۱: ۴۲۳)

در بعد عملی نیز عوامل بسیاری می‌توان دید که در پیدایش فمینیسم دخیل بوده‌اند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تحولات اجتماعی سریع و انقلاب‌های فراگیر اروپا یکی از اصلی‌ترین عوامل پیدایش فمینیسم به شمار می‌رود. در این انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی زنان در کنار مردان حضوری مؤثر داشتند و دوشادوش مردان برای به ثمر رسیدن نهضت‌های آزادی بخش و گذر از جامعه‌ی فئودالی به سرمایه داری تلاش می‌کردند. وقتی این مبارزات و انقلاب‌ها به نتیجه می‌رسید در خیلی از موارد زنان از صحنه حذف می‌شدند و نقشی درخور مبارزاتشان به آنها داده نمی‌شد.

(سلگی، ۱۳۸۳: ۱۲)

^۱. Schopenhauer

۲- ظلم و ستم‌هایی که در جوامع غربی نسبت به زنان شده و آنان را از حقوق طبیعی خود محروم کرده است. گروهی ریشه ستم بر زنان را در وابستگی اقتصادی آنان به مردان و نیز خانوادگی مردسالار می‌دانند. (فولادی، بی تا: ۵۹)

۳- وجود خشونت خانگی شدید در جوامع غربی نیز از جمله علل ظهور فمینیسم است. (فولادی، بی تا: ۵۹)

۴- آزار و تجاوز جنسی از دیگر عوامل زمینه ساز شکل گیری نهضت فمینیستی در جوامع غربی است. (فولادی، بی تا: ۵۹)

۵- از دیگر عوامل مهم این است که در یک جامعه که تمام اجزای آن به سرعت در حال دگرگونی هستند یکی از اجزاء و یکی از نهادها نمی‌تواند بدون تغییر بماند. تبعاً آن هم دچار تغییر می‌شود. زنان و امور مربوط به زنان هم به عنوان جزئی از جامعه در حال تغییر پذیری می‌باشند. (سلگی، ۱۳۸۳: ۱۲)

۶- ریشه ظهور فمینیسم را شاید بتوان به تحولاتی چون رنسانس و تحولات بعد از عصر روشنگری و پس از انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی نسبت داد. (سجادی، ۱۳۸۴: ۷) انقلاب صنعتی و نیروی کار ارزانی چون زن در جوامع صنعتی آنها را از خانه به جامعه کشاند و استقلال اقتصادی آنها را رقم زد.

۴-۱ موج‌های فمینیسم

ریترز^۱ در « نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر »^۲ بر آن است که همواره یک نوع چشم انداز فمینیستی وجود داشته است. به اعتقاد او هر کجا که زنان تحت انقیاد بوده‌اند زنانی نیز بوده‌اند که این موقعیت را تشخیص داده و به صورتی آن را مورد اعتراض قرار داده‌اند. (ریترز، ۱۳۸۰: ۴۶۰)

سیر فعالیت فمینیست‌ها در دو سه قرن اخیر یکنواخت نبوده و از آن به سه موج تعبیر می‌کنند.

^۱.George Rytz

^۲. Theories of sociology

۱-۴-۱ موج اول

موج اول در سال ۱۸۳۰ شروع شد. مری ولستون کرافت^۱ با نوشتن کتاب «حقانیت حقوق زن» (۱۷۹۲) تأثیر اصلی را بر این موج گذاشت. پس از وی جان استوارت میل با همکاری همسر اولش هری تیلور^۲ کتاب «انقیاد زنان» (۱۸۶۹) را نوشت که تأثیر مهم بعدی را در این موج گذاشت. گسترش حقوق مدنی و سیاسی به ویژه اعطای حق رای به زنان، خواسته و هدف اصلی این موج بود. البته در کنار هدف اصلی، هدف فرعی‌ای نیز وجود داشت؛ از جمله این اهداف می‌توان به دستیابی زنان به کار آموزشی، آموزش و کار، بهبود موقعیت زنان متأهل در قوانین، حق برابر با مردان برای طلاق و متارکه قانونی و مسائل پیرامون ویژگی‌های جنسی، اشاره کرد.

در دهه‌ی ۱۹۲۰ زنان به هدف اصلی خود یعنی حق رای دست یافتند. با دستیابی به این هدف دوران وقفه فعالیت فمینیست‌ها آغاز شد؛ و بجز فعالیت برای صلح‌خواهی، فعالیت دیگری نداشتند. البته رسیدن به حق رای، تنها دلیل توقف فعالیت فمینیست‌ها نبود بلکه اساساً شرایط حاکم بر آن دوران ایجاب می‌نمود که فمینیست‌ها فعالیت جدی نداشته باشند. (رضوانی، ۱۳۸۴: ۳)

به لحاظ تاریخی ریشه‌های فمینیسم موج اول که با فروپاشی چارچوب حقوقی مردسالار همراه بود را شاید بتوان در انقلاب صنعتی دانست که به زنان این اجازه را داد تا بر تساوی‌های اجتماعی تأکید کنند و بیشتر جنبه‌ی حقوقی داشت. (عزیز زاده، ۱۳۸۶: ۵۰)

۱-۴-۲ موج دوم

موج دوم فمینیسم از دهه‌ی ۱۹۶۰ آغاز شد سیمون دوبووار^۳ با نوشتن کتاب «جنس دوم»^۴ (۱۹۴۹) و بتی فریدن^۵ با نگارش کتاب «زن فریب خورده» (۱۹۶۳) تأثیر اصلی و مهم را در برانگیختن این موج داشتند. از دیگر متفکران مهم در این موج می‌توان به کیت میللت^۶، «سیاست جنسی»، (۱۹۷۰) اشاره کرد.

موج اول تا حدی توانست وضعیت زنان را در رابطه با برخی از مسائل بهبود بخشد. گسترش آموزش و پرورش، شایستگی زنان جهت ورود به مشاغل متعدد، قانونی شدن سقط

^۱ M. Wollstoncraft

^۳ Simone Debeauvoir

^۵ Betty Friedan

^۲ Harry Taylor

^۴ The second sex

^۶ Kate Millett

جنین ، پرداخت دستمزد برابر به زنان ، برخورداری از حقوق مدنی برابر و گسترش امکانات کنترل مولید از جمله نتایج مهم تلاش‌ها در موج اول بوده است . بهبود در این مسائل باعث شد که برخی فمینیست‌ها به دنبال اقدام برای گام‌های بعدی باشند . (رضوانی ، ۱۳۸۴ : ۳)

هدف اصلی و مهم فمینیست‌ها در موج دوم « نجات زن » بود . اینان معتقد بودند ، دستیابی به حقوق سیاسی و قانونی برابر با مردان هنوز مسأله زنان را حل نکرده است ، بنابراین صرف رهایی زنان از نابرابری‌ها کافی نبوده ، بلکه باید زنان را از دست مردان نجات داد . اما نجات زنان هم تنها از راه اصلاحات تدریجی امکان پذیر نیست بلکه نیاز به یک فرآیند ریشه‌ای و انقلابی است چرا که اساساً از نظر فمینیست‌ها نظریه‌های موجود عمیقاً جنس‌گرا و غیرقابل اصلاح هستند . نقد دانش مردانه ، ردّ کلیت ازدواج ، تاکید بر تجرد و حرفه‌ی اقتصادی از جمله دیدگاه‌های مهم فمینیست‌ها در این موج به شمار می‌رود . فمینیست‌ها در این دوران آنقدر به سمت افراط رفتند که حتی بر ظاهری مردانه در پوشش ، آرایش و غیره نیز تاکید داشتند . موهای کوتاه ، کفش بدون پاشنه ، کت و شلوار زمخت و چهره بدون آرایش، تیپ ظاهری یک فمینیست زن در دهه‌ی ۱۹۷۰ بود . (رضوانی ، ۱۳۸۴ : ۴)

از دستاوردهای موج دوم این بود که بخشی از کارهایی که از نظر سنت مخصوص زنان بود؛ مانند نگهداری از کودکان ، سالمندان و بیماران ، با تدوین قوانین رفاهی و تشکیل مهدکودک‌های دولتی ، خانه‌های سالمندان ، بیمارستان‌های دولتی و ... به کارها و وظایف عمومی تبدیل شدند . موج دوم جنبش زنان با توجه به تصویب قوانین ضد تبعیض ، لغو قوانین ممنوعیت سقط جنین ، افزایش حضور زنان در عرصه‌های مختلف ، تغییرات در سطح فرهنگی به شکل تغییرات زبانی ، تغییر در ادبیات ، فیلم و ... تا حدودی به اهداف خود رسید . (هام ، ۱۳۸۲ : ۳۹۲)

۱-۴-۳ موج سوم

موج سوم فمینیسم از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ آغاز می‌شود . فمینیسم که در دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اوج خود به سر می‌برد ؛ در اواخر قرن بیستم با مشکلات زیادی مواجه شد و در نتیجه در سرازیری انحطاط افتاد . شکاف‌ها و دسته بندی‌های آشکاری در درون جنبش زنان به وجود آمد . فمینیست‌ها که به بسیاری از اهداف اصلی شان دست یافته بودند ؛ آنقدر به سمت افراط پیش رفتند که حتی نهضت مردان در حال شکل‌گیری بود . این مسائل باعث شد که فمینیسم در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ یک فرآیند

اعتدال را تجربه کند. جناح مبارزه و انقلابی آن کنار گذاشته شد و به ستایش و اهمیت به دنیا آوردن فرزند و نقش مادری پرداختند.

اندیشه‌های برخی از پست مدرن‌ها همچون میشل فوکو^۱ و ژاک دریدا^۲ در برانگیختن این موج تاثیر به سزایی داشته است.

فمینیست‌ها در این موج بر ظاهر زنانه و رفتار ظریف تاکید می‌ورزند. آنان معتقد به احیای مادری بوده، از خانواده فرزند محور و همچنین زندگی خصوصی دفاع می‌کنند. (رضوانی، ۱۳۸۴: ۵)

۱-۵-۵ گرایش‌های فمینیستی

فمینیسم در برگیرنده‌ی درجات و سلسله مراتب مختلفی است و همانند بیشتر ایدئولوژی‌ها، تداخل‌ها و ناهماهنگی‌هایی در ارزش‌های بنیادین خویش دارد که این مسائل باعث ظهور گرایش‌ها و مکاتب متعدد در درون فمینیست‌ها می‌گردد.

متفکران و اندیشمندان مطالعات زنان تا به امروز چندین گرایش مهم از فمینیسم را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده‌اند. لیبرالی، رادیکالی، مارکسیستی، سوسیالیستی و پست مدرن، گرایش‌هایی هستند که در بسیاری از آثاری که درباره‌ی فمینیسم نوشته شده، مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع این دسته‌بندی برگرفته شده از طبقه‌بندی با عنوان موج‌های فمینیسم است که در آن تقسیم‌بندی بر اساس کلیت و جزئیت و افراط و اعتدال بوده است ولی در دسته‌بندی جدید بر اساس مکتب‌های فکری تقسیم‌بندی صورت گرفته است.

۱-۵-۱ گرایش لیبرالی

این دسته از فمینیست‌ها هیچ گونه تفاوت نژادی، جنسی، طبقاتی و یا ذاتی را بین زن و مرد قائل نیستند و تبعیض‌های به وجود آمده را حاصل ناهنجاری‌های اجتماعی می‌دانند و تعقل فردی را بر سنت‌ها و نهادهای مستقر در جامعه ترجیح می‌دهند. تفکر انتقادی در این مکتب مهم‌ترین حاصل دگرگونی و ساختارشکنی در اجتماع است. مسأله‌ی مورد توجه فمینیست‌های

^۱ . Michel Foucault

^۲ . Jacques Derrida

لیبرال یا اصلاح طلب ، اثبات این امر بوده است که تفاوت‌های درخور توجه میان زن و مرد ذاتی نیست و در نتیجه‌ی اجتماعی شدن و شرطی سازی نقش جنسی بوده است . (فرهمند ، ۱۳۸۲ : ۲۲۱)

« برابری » و « رفع تبعیض جنسی » مهم‌ترین محور اصلی مطالعات فمینیسم لیبرال است . بر اساس بنیان فلسفی لیبرال‌ها یعنی « فردگرایی » ، زنان همانند مردان باید از حقوق و مزایای کامل شهروندی برخوردار باشند ؛ زیرا در فردگرایی تمایزی میان زن و مرد وجود نداشته و زنان همانند مردان انسانند و جنسشان هیچ‌گونه ارتباطی با برخورداری یا عدم برخورداری از حقوق مدنی ندارد . زنان از قابلیت قدرت تعقل کامل برخوردار بوده و لذا استحقاق برخورداری از تمام حقوق انسانی را دارا هستند . (رضوانی ، ۱۳۸۴ : ۵)

علت تفاوت زن و مرد تفاوت در آموزش است و اساساً هیچ چیزی به نام سرشت یا هویت زنانه وجود ندارد . به عبارت دیگر ، از مجموعه‌ی ویژگی‌های انسانی ، یک بخش (عقلانیت) در مردان تقویت و در زنان سرکوب می‌شود و بخش دیگر (عاطفه) در زنان تقویت و در مردان سرکوب می‌گردد . در نتیجه زنان عاطفی‌تر و مردان عقلانی‌تر می‌شوند . (مشیرزاده ، ۱۳۸۳ : ۳۳)

فمینیست‌های لیبرال ریشه ظلم و ستم بر زنان را فقدان حقوق مدنی ، فرصت‌های کافی و برابری آموزشی در جوامع مدنی می‌دانند . این مکتب همچون سایر جنبش‌های لیبرال بر آن است تا بدون تغییر بنیادین اجتماعی و سیاسی و با حفظ نظام موجود ، با اصلاحاتی چند حقوق و موقعیت زنان را ارتقا بخشد . (فولادی ، بی تا : ۵۹)

فمینیست‌های لیبرال دو جنس را در جنگ با یکدیگر نمی‌انگارند یا به نفی آنچه مربوط به مردان است مبادرت نمی‌ورزند . فمینیسم لیبرال متضمن تأکید بر اصلاح جامعه است ، نه تغییر انقلابی آن . (بیسلی ، ۱۳۸۵ : ۸۵)

در نگاه فمینیست‌های لیبرال ، تعقل فردی مهم‌تر از سنت‌ها و نهادهای مستقر در جامعه است و آنها آموزش و پرورش را مهم‌ترین وسیله برای دگرگونی و تعالی اجتماعی می‌دانند . این گروه مانند دیگر دانشمندان عصر روشنگری ، طرفدار نظریه‌ی « حقوق طبیعی » بودند . (موسوی ، ۱۳۷۸ : ۱۲)

رفع تبعیض جنسی ، مرحله‌ای بالاتر از رفع تفاوت جنسی است . به نظر فمینیست‌های لیبرال ، برای بهبود مسائل زنان تنها برابری رسمی کافی نیست بلکه باید قوانینی برای ممنوع کردن تبعیض علیه زنان ؛ به ویژه زنان شاغل وضع شود که بر اساس آن حقوقی برای زنان در محل کار ، از قبیل مرخصی و دستمزد دوران زایمان ، منظور گردد . مری ولستون کرافت ، جان استورات میل ، هری تیلور ، مری